

تأثیر عبادت در تربیت و اخلاق و آثار تربیتی فردی و اجتماعی آن

نیک محمد خلیلی *

چکیده

هدف خلقت عبودیت است و نیایش در برابر معبود یگانه، یکی از اساسی‌ترین نیازهای درونی انسان است. نماز کامل‌ترین و زیباترین شیوه نیایش و پرستش و عالی‌ترین پاسخ به این نیاز است. حقیقت نماز را باید عروج به مقام قرب الهی و حضور در پیشگاه حضرت حق دانست. رسیدن به این مقام برای تمامی بندگان خدا میسر است و برای رسیدن به آن باید سیر و سلوک داشت. نویسنده مقاله در این پژوهش بر آن است تا برخی از ابعاد معنوی، اجتماعی نماز و نقش تربیتی آن را در زندگی انسان تبیین کند و با توجه به اهمیت نقش نماز در سلوک معنوی نمازگزار، به بررسی آثار و برکات معنوی، اجتماعی نماز از دیدگاه قرآن کریم و روایات پرداخته است. روش به کاررفته در این تحقیق روش مطالعه منابع است که با استفاده از اطلاعات کسب شده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی به بررسی آن پرداخته است. نتیجه حاصل از این پژوهش بیانگر این شد که در صورت مراقبت و حضور قلب در نماز، بهره‌مندی از برکات معنوی نظیر دستیابی به مقامات عالی اخلاص، تزکیه نفس، ذکر، احسان، اطمینان، خشیت، یقین و... برای نمازگزاران واقعی میسر است.

واژگان کلیدی: حیات معنوی، حیات اجتماعی، نماز، عبادت، تربیت و اخلاق.

مقدمه

یکی از بهترین و بارزترین برنامه‌های تربیتی کارآمد و مطلوب عبادت است، چون عبادت نقش بسیار اساسی و مهمی در تربیت انسان دارد و سبب رشد و کمالات اخلاقی و تربیتی انسان می‌شود؛ زیرا عبادت و تقید و تعبد به مبانی اعتقادی و تربیتی است که استحکام‌بخش پیوند همیشگی انسان با خدا است. عبادت و معنویت، برخاسته از فطرت پاک و بی‌آلایش وجود انسان و جوهره ذاتی و حقیقی است. عبادت و پرستش سرلوحه تعالیم همه انبیا و سفیران الهی و نشانه ایمان و عبودیت انسان‌هاست. عبادت همان پیوند است که میان بنده و خدا وجود دارد و الزام‌آور است که همه فروع و شعبه‌های تربیت از آن سرچشمه می‌گیرد.

* دانشجوی دوره دکتری قرآن و علوم تربیتی، Nkmkhalili@gmail.com

عبادت بدین معنا همه زندگی را شامل و پرتو می‌افکند، زیرا اسلام این حقیقت را به‌درستی درک کرده و به این لحاظ عبادت را پایه اصلی قرار داده و آیین زندگی را بر شالوده آن پایه‌ریزی کرده است و در بسیاری از آیات قرآن، صفت «عبد» برای انبیاء و صالحان ذکر گردیده است و به‌عنوان بهترین اوصاف معرفی شده است.

بالاخر از آن هر انسان مؤمن مکلف در مقام خواندن تشهد نماز حداقل روزانه نه بار بهترین خلاق خدا را با وصف عبودیت یادآوری می‌کند و آن‌قدر اهمیت دارد که درود و سلام بر صالحان را باید به رسالت بر زبان و دل جاری کند و این اهمیت بیانگر این واقعیت است که مراتب عبودیت مقدم بر مراتب رسالت است.

اصول هویت دینی با اقامه فریضه نماز شکل می‌گیرد. با هجوم امواج رسانه‌ای غرب و موج‌های توفنده جهانی شدن داشتن هویت دینی و ملی نقش مهمی در جهت مقابله با این امواج ایفا می‌نماید. لذا اهمیت عبادت، اقامه نماز سیاسی - عبادی و هویت‌بخش از مرز یک واجب شرعی در عرصه خصوصی زندگی عبور می‌نماید و به ابزار و سلاح دفاع از هویت دینی و ملی در مقابل امواج تهاجم بیگانگان تبدیل می‌گردد.

از این رو گفتمان هویت‌بخش دین و باور به اقامه فریضه هویت‌بخش نماز پیوسته و سینه‌به‌سینه و نسل به نسل باید به بازتولید خود پردازد. برهمگان نیز مبرهن است که نقش اصلی را در باز تولید گفتمان دینی و الهی برعهده اهالی فرهنگ و اندیشمندان است.

در مقاله پیش رو در پی پاسخ به سؤالات زیر هستیم:

نماز چه نقشی را در هویت اخلاقی و تربیتی بازی می‌کند؟! و چرا هویت دینی ارتباطی ناگسستنی با نماز دارد؟! لذا نماز مؤلفه اصلی تربیت دینی انسان در عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی است و جامعه اخلاقی در سایه گفتمان هویت‌بخش نماز و دین شکل می‌گیرد.

تأثیر نماز در تربیت

نماز به‌عنوان مؤلفه اصلی تربیت دینی نقش اصلی را در ایجاد هویت دینی ایفا می‌نماید. واژه تربیت نیز از آنجایی اهمیت پیدا می‌کند که نماز نقشی تربیتی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد و تداوم این نقش تربیتی منجر به هویت‌یابی دینی می‌گردد.

اهمیت طرح مسئله

فریضه نماز به‌عنوان نماد و مشخصه اصلی اسلام سیاسی کانون توجه غرب بوده است. آنان در امپراتوری رسانه‌ای خود هرجت که می‌خواهند تصویری خشن از مسلمانان نشان دهند صف‌های طویل نماز جماعت آنان

را در کنار صحنه‌های انفجار و ترور نشان می‌دهند. ارائه هویتی تمدن ستیز از مسلمان نمازگزار در فیلم‌های سینمایی و هالیوودی نیز دنبال می‌گردد. این همان تصویر تحقیرشده‌ای است که رودلف والتیو در فیلم معروف «شیخ» ارائه می‌دهد و این تصور هنوز باقی است. در پس همه این تصاویر تهدید مربوط به جهاد (jihad) پنهان شده است؛ یعنی تصویری که روزی مسلمانان دنیا را تسخیر کنند.

نماز به عنوان نماد عبودیت خدا و نفی سلطه هر موجود غیرالهی پیام اصلی دین است. اثرات اجتماعی و فرهنگی آن در نمازهای جمعه و جماعات بروز بیشتری می‌یابد. ارتباط متقابل، تعامل و گفتگو میان مسلمانان هم عقیده که به قصد قربه الی الله در صفی واحد گردآمده‌اند در انجام این فریضه الهی است که جنبه عملی به خود می‌گیرد. عملکرد رسانه‌های ارتباطی در بازتاب فریضه نماز یک کنش فرهنگی هوشمندانه را می‌طلبد که بتواند مخاطبین و مخصوص نسل جوان را به وادی عمل به فریضه نماز ترغیب نماید. در اینجا نقش تربیتی و هدایتی رسانه‌های ارتباطی برجسته می‌گردد. رسانه ارتباط بین هویت و نماز را برجسته می‌کند و اینکه نماز چه نقشی را در گفتمان هویت بازی می‌کند؟ چرا هویت دینی از مباحث عمده مربوط به هویت است؟!

تبیین مفاهیم اصلی

۱. هویت انسانی

منظور از هویت انسانی این است که انسان چه چیزی است. در میان موجودات هیچ موجودی به اندازه انسان نیازمند شناخت و تفسیر نیست. انسان با همه قابلیت‌ها، امکانات و استعدادهایی که خداوند در وجودش به ودیعه نهاده است، آن‌چنان سیستم پیچیده‌ای است که شناخت وی علم و دانایی بسیاری می‌طلبد. انسان دارای سه هویت فردی، قومی و ملی و هویت باطنی است. هویت فردی به ویژگی‌های خاص انسان که او را از دیگر انسان‌ها متمایز می‌سازد، اشاره دارد. در شناخت این هویت عواملی همچون خانواده، اقلیم ریشه و تبار خانوادگی و غیره مؤثرند.

هویت ملی و قومی، هویتی فرهنگی است. هویت ملی از بستر فکری و ایدئولوژیک و مبانی اعتقادی و دینی و عواملی همچون زبان، سرزمین و تاریخ ریشه می‌گیرد؛ اما هویت باطنی هویت وجودی اوست و در شناخت این هویت به نیت الهی در خلقت انسان توجه می‌شود. خدایی که انسان را آفریده است بهتر بر حقیقت وجودی انسان و شناساندن هویت واقعی او وقوف دارد. پس باید چگونگی خلقت انسان و هدف از خلقت او تبیین گردد.

هویت مجموعه‌ای از علائم آثار مادی، زیستی، جامعه‌ای، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر (فرهنگی از فرهنگ دیگر) می‌شود. هویت را در مقیاس فردی بنا به

تقدم تاریخی به هویت خونی، هویت خاکی و هویت فرهنگی تقسیم می‌کنند. هویت دینی بخشی از هویت فرهنگی است.

هویت، آگاهی از خود و ویژگی‌های مشترک در زمینه‌هایی مانند طبقات اجتماعی، مذهب، قومیت و جنسیت است. امروزه انواع مختلفی از هویت مانند هویت علمی، قومی، جنسی و منطقه‌ای وجود دارد. آخرین موج هویت‌سازی که در حال حاضر در جهان مطرح شده «هویت جهانی و بین‌المللی» است که به واسطه ارتباطات، تعاملات و مبادلات انسانی در سطح دنیا وجود دارد.

در گزارش کنفرانس جهانی یونسکو (مکزیکوسیتی ۱۹۸۲) در مورد سیاست‌های فرهنگی تعریف مناسبی از هویت به شرح زیر ارائه گردید؛

«هویت هسته مرکزی شخصیت فردی و اجتماعی انسان است و می‌تواند به اعمال و تصمیمات فردی و جمعی شکل داده و روندی را به وجود می‌آورد که یک جامعه را در عین حفظ مشخصات خودش قادر به توسعه سازد».

امروزه بحث‌های مربوط به هویت، بحران هویت، هویت دینی و آگاهی دینی به دلایل تاریخی، روابط نامتناسب قدرت بین فرادستان و فرودستان در عرصه جهانی در کانون توجه قرار گرفته است. در جوامع انقلابی و در حال گذار که دارای هویت دینی هستند از هویت دینی در ساخت کلی اجتماع و تحکیم هویت در حال تحول جامعه استفاده می‌شود. در جامعه دینی هویت دینی خط قرمز ارزش‌هاست و فریضه نماز اصلی‌ترین نماد هویت دینی است.

از این رو به تبیین مفهوم دین به عنوان یک امر قدسی و از طرف دیگر به عنوان یک عنصر بنیانی هویت‌ساز می‌پردازیم.

۲. دین

کاربردهای قرآنی دین از تنوع زیادی برخوردار است که از آن جمله‌اند: جزا، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی. (رک: طریحی، ۷۶ و ۷۷؛ راغب اصفهانی: ۷۵؛ قرشی: ۳۸۰ و ۳۸۱) تعریف اصطلاحی دین، غالباً برخاسته از دیدگاه‌های خاص الهیاتی، فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی کسانی است که به تبیین دین در چارچوب اندیشه‌ها و اهداف خود پرداخته‌اند.

«دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی است که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری

بشر تعیین شده است».(جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۹)

در این رویکرد، قلمرو دین شامل همه امور زندگی انسان، اعم از مسائل فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی می‌شود. اگر به تأسی از دکارت در پی آن باشیم که برای تعریف یک مفهوم به دنبال وضوح و تمایز باشیم، باید گفت که در تعریف دین با مشکلاتی مواجه خواهیم بود. براین اساس تفکیک میان تمایز مفهوم دین و وضوح مفهوم دین ضروری است. در تعریف دین یک بخش سلبی و یک بخش ایجابی وجود دارد. بخش سلبی آن به تمایز مفهوم دین مرتبط است و بخش ایجابی به وضوح آن ارتباط پیدا می‌کند.

دین مفهومی متمایز از معنویت، زیستن اخلاقی، عرفانی نگری، تعبد، ایمان، خشکه مقدسی، خرافه پرستی است. این هفت مفهوم مفاهیم نزدیک به دین هستند ولی یقیناً دین نیستند. لذا ثابت می‌شود که مثلاً دین خشکه مقدسی و یا خرافه پرستی نیست.

در عرصه وضوح تعریف دین باید تعریفی از دین ارائه شود که نه مانع افراد باشد، نه جامع اغیار، نه خوش بینانه باشد و نه بدبینانه.

رابطه دین و هویت یابی انسان

جهت ایضاح مسئله واحد تحلیل خود را انسان و هویت یابی او از طریق دین قرار می‌دهیم.

نقطه عزیمت هویت یابی دینی فطرت انسان است. *فَطَرَتِ اللّٰهُ اِلَیَّ فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیْلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ*. (روم: ۳۰) انسان‌ها دارای فطرت خداشناسی و فطرت عبادت هستند، لیکن این احساس گاهی به صورت شعور ناآگاهانه و گاهی با کمک وحی به شعور آگاه تبدیل شده و به سوی کمال حرکت می‌کند. حرکت هدفمند انسان‌ها در مسیر فطرت، فصل مشترکی را در بین آنان ایجاد می‌نماید که در عرصه زندگی اجتماعی نیز خود را بروز می‌دهد، دغدغه مشترک به هویت مشترک میل پیدا می‌کند که ما این هویت مشترک را هویت دینی می‌یابیم.

هویت دینی، خود مؤلفه‌ای از واحدی بزرگ‌تر به نام هویت فرهنگی است. در تکاپوی هویت بخشی دین به نسل جوان نمی‌توان حرکت را با انقطاع شروع کرد و از گذشته تاریخی و فرهنگ کهن یک ملت برید؛ بنابراین در تکاپوی کمال به سوی آینده از منظر فرهنگی باید نگاهی به گذشته داشت.

دین اصلی‌ترین نقش را در شکل‌گیری تمدن بشری داشته است. نام انسان بانام دین در تاریخ کهن بشری گره خورده است. ماکس وبر جامعه‌شناس شهیر آلمانی با نگارش کتاب «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» به ایضاح مبسوط نقش دین در شکل‌گیری تمدن صنعتی غرب پرداخته. لذا پرداختن به نقش دین در شکل‌گیری

هویت فرهنگی و دینی یک ملت شایسته توجه است. نماز که در لسان رسول خاتم (ص) ستون دین است، الگوی رفتاری مبتنی بر وحی الهی است. با لحاظ نمودن فریضه نماز، دین به مؤلفه‌ای هویت‌بخش تبدیل می‌گردد. لذا به تبیین مفهوم نماز نیز می‌پردازیم.

۳. عبادت

«عبادت در لغت به معنای اطاعت خاضعانه است که بنابراین هر نوع اطاعت و پیروی کردن عبادت نیست، بلکه تنها طاعت و پیروی همراه با خضوع و تسلیم عبادت است». با توجه به این، هر کاری که به قصد اطاعت و پیروی همراه با خاضعانه از دستورات خداوند متعال انجام شود، عبادت است. عبادت، به معنای اظهار ذلت، عالی‌ترین نوع تذلل و کرنش در برابر خداوند است. (قرائتی، ۱۳۸۶: ۱۹)

اما عبادت در معنای دیگری نیز به کار می‌رود؛ عبادت در این معنا به هر نوع کاری که به قصد اطاعت و پیروی از خدا انجام شود اطلاق نمی‌شود، بلکه تنها به کارهای اطلاق می‌شود که فی‌نفسه بیانگر عبودیت و بندگی هستند. به عبارت دیگر، عبادت به معنای دوم به کارهای اطلاق می‌شود که انسان از آن جهت که بنده خدا است آن‌ها را انجام می‌دهد. درواقع، این افعال: «به‌منظور اظهار عبودیت و بندگی و نهایت خضوع و تسلیم در برابر خداوند و به قصد تقرّب به او انجام می‌شود».

جلوه‌های عبادت

عبادت اقسام مختلفی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) نماز

نماز به عنوان یک فریضه الهی، کنشی هویت‌بخش است و در درجه اول به یک بنده مؤمن که فقط در مقابل خدا سر طاعت فرود می‌آورد، هویت دینی می‌بخشد. تسلیم و طاعت در برابر خدا مستلزم ایستادگی در مقابل هرگونه نظام سلطه است که آزادی انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد؛ بنابراین سجده و طاعت در برابر ذات اقدس الهی مستلزم آزادی از هرگونه نظام سلطه‌ای است که انسان‌ها را به بند می‌کشد. نماز به عنوان نماد بندگی انسان در مقابل خدا با نیت قربه الی الله آغاز می‌گردد و خداوند به بزرگی و عظمت یاد می‌شود (الله اکبر). اوست که پدیده‌ها و انسان را هستی بخشیده و بازگشت همه به سوی اوست. عبارت الله اکبر ۸۵ مرتبه در نمازهای یومیه تکرار می‌گردد و در آن ضمن یاد کردن خدا به عظمت و بزرگی خط بطلان کشیدن بر طاغوت و هرگونه ساختار سلطه‌گری است که انسان‌ها را برخلاف فطرتشان که آزادی از بندگی غیر خدا خلق شده‌اند، به بند می‌کشاند.

آنجا که در سوره حمد «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» می‌گوییم، بر پرورش و آفرینش هستی و جهان به دست مقتدر خداوند تأکید می‌نماییم و بر هویت بندگی خود در مقابل خدا تأکید می‌نماییم. خداوند سایه رحمتش را بر همگان گسترده و در توبه را بر روی غفلت کنندگان باز گذاشته. نمازگزار تنها چنین خدایی را پرستش می‌کند و تنها از وی کمک می‌خواهد.

فریضه نماز ضمن اینکه یک کنش فردی جهت ارتباط با ذات اقدس الهی است دارای سویه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و سیاسی نیز است. همگرایی این مؤلفه‌های متأثر از نماز منجر به ایجاد یک هویت مشترک برای تمام برپادارندگان این فریضه الهی می‌گردد که برخی از آنان تبیین می‌گردد.

نماز نقش بسیار اساسی و مهمی در تربیت انسان دارد، اگر ما به آیات قرآن مجید و سیره تربیتی معصومان (ع) به دقت نگاه کنیم به‌خوبی می‌فهمیم که نماز آثار فراوان مادی و معنوی را به همراه دارد، در همین زمینه قرآن مجید می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ...»؛ نماز را بر پادار که نماز (انسان را) از زشت‌ها و گناه باز می‌دارد». (عنکبوت: ۴۵)

و در آیه دیگر می‌فرماید: «اقم الصلاة لذكرك؛ نماز را برای یاد من به پادار». (طه: ۱۴)

این آیه می‌فرماید: علت غایی برای همه عبادت‌ها یاد خدا است، از نظر زبان و یا دل، کسی که به یاد خدا باشد مرتکب گناه نمی‌شود و این چنین نمازی انسان را از گناه و پلیدی ننگه می‌دارد ولی عملی عبادی که تنها صورتی از نماز داشته باشد از چنین خاصیتی بی‌بهره است.

قرآن کریم در آیه دیگر می‌فرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ؛ از صبر و نماز یاری جوید (و با استقامت و مهار هوس‌های درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید) و این کار جز برای خاشعان گران است». (بقره: ۴۵)

فخر رازی در تفسیر کبیر می‌گوید: «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ...؛ مراد از عصر، نماز عصر است» و در آنجا چند قولی دیگر را هم نقل می‌کند، ولی از نظر امام خمینی (ره) مراد از عصر، عصر ظهور امام زمان (عج) است زیرا عصر را به معنای عصاره می‌دانند یعنی عصاره امام زمان: اما نظر فخر رازی آن است که مراد از «والعصر» نماز عصر است و یک روایت هم از پیامبر اکرم (ص) به عنوان دلیل می‌آورد و می‌گوید:

یک روز، یک زن، صیحه زنان، آمد خدمت پیامبر اکرم (ص) و عرض کرد: یا رسول‌الله! همه اصحاب بیرون بروند من با شما کار دارم. پیامبر اکرم (ص) به اصحاب فرمود: شما بیرون بروید و دنبال مطلب را چنین ادامه می‌دهد و می‌گوید: زن گفت یا رسول‌الله من زن شوهرداری بودم و زنا دادم و از این زنا آبه‌ستن شدم و بچه که از

زنا به دنیا آمد و او را در خمیره سرکه خفه کردم و سرکه نجس شده بود او را هم به مردم فروختم. پیامبر اکرم (ص) در جواب آن زن فرمود: به گمانم نماز نمی‌خوانی: «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنَّكَ تَرَكْتَ صَلَاةَ الْعَصْرِ» پیامبر اکرم (ص) فرمود: می‌دانی چرا در این چاه افتاده‌ای چون نماز نمی‌خوانی».

آثار تربیتی نماز

از این آیات و روایات معصومان دو چیز را می‌توان برداشت کرد یکی جنبه منفی و دیگری جنبه مثبت، اما جنبه منفی این روایت می‌گوید آن زن که نماز نخواند و یا آن مرد که نماز نمی‌خواند در چاه می‌افتد و بعضی موقع انسان در چاه که نمی‌توان آن را از چاه بیرون آورد یعنی کاری می‌کند که آبروی پنجاه ساله‌اش را می‌برد اگر زن یا مرد در زنا یا لواط و به بعضی از گناهان کبیره دچار گردد نه تنها حیثیت خودش را به باد داده بلکه شخصیت اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی خود را نیز برده است.

اما جنبه مثبت روایت این است که اگر یک مرد و یا یک زن نماز بخواند و به نماز اهمیت بدهد و نمازش را ترک نکند و این نماز او را از گرفتار شدن به لغزش‌های اخلاقی، فرهنگی و تربیتی نجات می‌دهد، قرآن مجید هم همین را می‌گوید: «و استعنوا بالصبر و الصلوة؛ از صبر و نماز یاری جوئید». (بقره: ۴۵)

پیشوایان دینی ما درباره نماز بسیار سفارش کرده‌اند پیامبر اکرم (ص) موقع رحلتش مرتب می‌فرمود: «امتی الصلوة و ما ملکت ایمانکم؛ یعنی به دو چیز خیلی اهمیت بدهید: یکی به نماز، دیگری به زیردست امت من». (طبقات الکبری ۲: ۱۹۵)

همچنین امام صادق (ع) نزدیک رحلتش تمام بستگانش را جمع کرد و فرمود: «کسی که نمازش را سبک بشمارد شفاعت ما اهل بیت شامل حال او نمی‌شود».

همه ما می‌دانیم که راه نجات ما داخل شدن در بهشت در سایه شفاعت اهل بیت ممکن است ما باید با شفاعت اهل بین وارد بهشت شویم و امام صادق (ع) می‌فرماید کسی که نمازش را سبک بشمارد شفاعت ما اهل بیت شامل حال او نمی‌شود، نه این که نماز نمی‌خواند بلکه نماز می‌خواند ولی نماز را سبک می‌شمارد و سهل‌انگاری در نماز می‌کند و اهمیت به نمازش نمی‌دهد.

به همین مضمون روایت از پیامبر اکرم (ص) داریم که می‌فرماید: «کسی که نمازش را سبک بشمارد شفاعت ما شامل حال او نمی‌شود».

۱. تأثیرات اخلاقی نماز

دوری از گناه، تقویت نیروی تحمل مصائب و سختی‌ها، ادب‌آموزی، کبر زدایی، احترام به حقوق دیگران، دوری از غیبت و تکبر، معاشرت بری از خشونت با مردم و پایبندی به عدالت از پیامدهای مثبت اخلاقی نماز است.

همگرایی مؤلفه‌های فوق منجر به ایجاد هویتی باصفت دینی می‌گردد حال اگر صفات اخلاقی فوق به‌صورت فصل مشترک افراد یک جامعه درآید در این صورت آن جامعه دارای هویت دینی می‌گردد.

از دیگر ویژگی‌های اخلاقی نمازگزاران که کنشی معطوف به جمع است رعایت امانت و وفای به عهد نسبت به دیگران است. وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (المعارج: ۳۲)

البته امانت مفهوم وسیعی دارد. هر یک از نعمت‌های الهی امانتی از امانات او هستند. پست‌های اجتماعی و مخصوصاً مقام حکومت از مهمترین امانات است خیانت‌درامانت جزء زشتی‌ها و بدی‌هاست که هرگز باروح نمازگزار سازگار نیست.

۲. تأثیرات اجتماعی نماز

یکی از جنبه‌های اجتماعی نماز که در ایجاد هویت مشترک برای مؤمنان مؤثر است نظم و انضباط در امور است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ ۚ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا». نماز را برپا دارید که به‌راستی نماز وظیفه ثابت و معینی است برای مؤمنان». (نساء: ۱۰۳)

برگزاری نماز به‌صورت جماعت و فرادا در ساعات معینی از شبانه‌روز و به‌سوی یک قبله مشترک، وحدتی در عین کثرت است که شرط عملی شدن آن انضباط در امور و پیامد طبیعی آن، هم اجتماعی شدن و هم وحدت است.

نمازگزاران در عمل معطوف به اجتماع خود حق معلومی از اموالشان را برای تقاضاکنندگان و محرومان در نظر می‌گیرند، «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ». (معارج: ۲۴ و ۲۵) مهمترین عامل این کنش اجتماعی نماز است. نماز به نمازگزار می‌گوید حقوق دیگران را استیفا کن. باخدا رابطه ایجاد نما و وقتی باخدا رابطه پیدا کردی رزق را از او می‌طلبی. مسلمان نمازگزار برخی از الفاظ ذکر را جمع بر زبان می‌آورد مثل «نعبد» یا «نستعین». متکلم مع الغیر آوردن دعاها و خیر دیگران را خواستن و دیگران را در خیر خود سهیم دانستن، انسان را وافی دارد به اینکه در مسائل اقتصادی هم دیگران را فراموش نکند.

۳. تأثیرات سیاسی نماز

مسجد در صدر اسلام هم کانون عبادت و یاد خدا بود و هم مکان تجهیز سپاه برای جهاد، ساماندهی به امور جاریه شهروندان، محل جمع‌آوری وجوهات شرعی و مالیات بر دارایی و هم تریبون سیاسی مذهبی جهت روشنگری شهروندان.

ادای نماز به جماعت و نمازهای جمعه که امام با تشریفات خاص به ادای نماز و ایراد خطبه‌ها می‌پردازد و شهروندان را به رعایت تقوا و انضباط در امور فرامی‌خواند دارای سویه‌های دقیق سیاسی و فرهنگی است. در این‌گونه جماعات اجماعی بین مسلمین جهت پرداختن به معضلات گریبان گیر جامعه اسلامی شکل می‌گیرد. با تأثیرپذیری از فلسفه نماز و نمازهای جماعات و جمعه است که امام خمینی (ره) سیاست را علم هدایت انسان ها به صراط مستقیم و در حقیقت راه و روش انبیا (ع) می‌داند.

نکته قابل توجه این است که صف‌های نماز جمعه و جماعات مسلمین نیز بیشترین پوشش خبری و رسانه‌ای دولت‌های غربی را به خود اختصاص داده است و هر جا که درصدد هجمه تبلیغاتی و سیاسی به مسلمین هستند نمازگزاران اهل جمعه و جماعت را به خشونت متهم می‌نمایند. برجسته نمودن نقش سیاسی نماز در جهان ارتباطات امروزه مسئله‌ای پیش روی کارشناسان و رسانه‌های ارتباطی یک دولت دینی است که درصدد تقویت هویت دینی جامعه دین‌دار است.

تأمل و اندیشه در تک‌تک آیات و عبارات و انکار در نماز پیوسته یاد نمودن خداوند به یکتایی، عظمت و بزرگی و بخشندگی و مهربانی است. برای عملی نمودن این ذکرها در صحنه زندگی باید دست را بر سینه شیاطین درون و برون زد و در عرصه زندگی اجتماعی و فردی سلطه‌ستیزی نمود. تفسیر امام خمینی (ره) از نماز و هسته اصلی آن یعنی سوره حمد نیز تفسیری سیاسی است و در اینجا امام (ره) سیاست را علم پیامبران و علم هدایت انسان‌ها می‌داند. نماز سیاسی کنشی صرفاً فردی و منقطع از اجتماع نیست. این نماز روح‌بخش و حرکت آفرین است. به عبارتی کنش معطوف به جهاد و تلاش در راه خداست. از این رو پیامبر خاتم (ص) رهبانیت و عبادت بریده از اجتماع را مردود اعلام می‌کند و رهبانیت امت خود را جهاد و تلاش در راه خدا می‌داند.

اگر مطابق تعریف حضرت امام (ره) سیاست را علم هدایت انسان بنامیم، سوره حمد یکی از سیاسی‌ترین سوره‌های قرآن کریم است. اگر قدرت را هسته اصلی علم سیاست بدانیم، آیه دوم سوره حمد بر قدرت بی‌همتای ذات اقدس الهی تأکید می‌کند.

آیات سوم و چهارم ضمن تأکید بر بخشندگی و مهربانی خدای متعال بر بندگانش، عدالت الهی در روز جزا را تبیین می‌نمایند.

در سوره حمد اقتدار الهی ملازم با عدل الهی ذکر گردیده است، یعنی از منظر دینی قدرت سیاسی بدون عدالت نامشروع و حرکت در خط گمراهان است.

در آیه پنجم تمام مخلوقات عالم از جمله اشرف مخلوقات (انسان) از ذات اقدس الهی به عنوان تنها منبع قدرت طلب یاری می نمایند.

استمداد طلبی انسان از درگاه خدای متعال جهت هدایت به صراط مستقیم و راه نعمت یافتگان است نه راه گمراهان و مغضوبین درگاه الهی.

سوره مبارکه حمد در حقیقت درس نامه زندگی بشر است. زندگی بشر بنا به طبع انسانی اش یک زندگی اجتماعی است. صورت بندی زندگی اجتماعی انسان نیز در علم سیاست می گنجد، اگر انسان را کانون زندگی اجتماعی بدانیم، این انسان در تمام مراحل زندگی خویش در حیطه اقتدار ذات اقدس الهی است.

ب) روزه

روزه یکی از عبادات مهم اسلامی است که در متون دینی ما تأکید فراوان بر آن شده است، چون روزه نقش بسیار اساسی و مهمی در تربیت انسان دارد و این مطلب را می توان از قرآن مجید و روایات معصومان (ع) به خوبی استفاده کرد که روزه آثار فراوان جسمی، اجتماعی و معنوی را به همراه دارد، زیرا قرآن مجید در همین زمینه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ این افراد که ایمان آورده اید، روزه بر شما نوشته شد همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شده تا پرهیزکار شوید».

(بقره: ۱۸۳)

آنچه از این آیه مبارکه به خوبی استفاده می شود، روزه ابعاد گوناگونی دارد و آثار فراوانی از نظر مادی و معنوی در وجود انسان می گذارد که از همه مهمتر بعد اخلاقی و تربیتی آن است.

فلسفه روزه

یکی از فواید مهم روزه این است، روح انسان را تلطیف و اراده انسان را قوی و غرایز او را تعدیل می کند. روزه دار باید در حال روزه باوجود گرسنگی و تشنگی از غذا و آب و همچنین لذت جنسی چشم پپوشد و عملاً ثابت کند که او همچون حیوان در بند اصطبل و علف نیست او می تواند زمام نفس سرکش را به دست گیرد، بر هوس ها و شهوات خود مسلط گردد.

در حقیقت بزرگترین فلسفه روزه همین اثر روحانی و معنوی آن است، خلاصه روزه انسان را از عالم

حیوانیت ترقی داده و به جهان فرشتگان صعود می‌دهد، جمله (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ باشد که پرهیزکار شوید) اشاره به همه حقایق است.

حضرت علی (ع) درباره فلسفه روزه چنین می‌فرماید: «خداوند روزه را از این جهت تشریح فرموده که روح اخلاص در مردم پرورش یابد». (نهج البلاغه)

همچنین رسول خدا (ص) می‌فرماید: «روزه سپری در برابری آتش دوزخ است» شاید این روایت اشاره به این موضوع باشد. (نهج الفصاحه)

همچنین روایت از امام صادق (ع) داریم که می‌فرماید: «الصوم یسود وجهه...؛ روزه صورت شیطان را سیاه می‌کند» (صندوق، ۱۰۲: ۱۴۱۷-۱۱۷).

و نیز در روایت دیگری از پیامبر (ص) می‌خوانیم که می‌فرماید: «بهشت دری دارد (سیراب شده) که تنها روزه‌داران از آن وارد می‌شوند».

آنچه از این روایات معصومان (ع) به‌خوبی استفاده می‌شود که روزه سبب رشد و تکامل اخلاقی و تربیتی انسان می‌شود.

آثار تربیتی روزه

اثر اجتماعی روزه بر هیچ‌کس پوشیده نیست روزه یک درس مساوات و برابری در میان افراد جامعه می‌دهد، با انجام این‌گونه دستور مذهبی، افراد متمکن هم وضع گرسنگان و محرومان جامعه را به‌طور محسوس درک کنند و هم با صرفه جویی در غذای شبانه‌روزی خود می‌توانند به کمک آن‌ها بشتابند.

البته ممکن است با توصیف کردن حال گرسنگان و محرومان جامعه، ثروتمندان را متوجه حال گرسنگان ساخت، ولی اگر این مسئله جنبه حس و عینی به خود بگیرد اثر دیگری دارد، روزه به این موضوع مهمی اجتماعی رنگ حس می‌دهد. در همین زمینه روایت از امام صادق (ع) داریم که هشام بن حکم از علت وجوب روزه پرسید، امام (ع) در پاسخ آن فرمود: «روزه به این دلیل واجب شده که میان فقیر و غنی مساوات برقرار گردد، این به خاطر این است که غنی طعم گرسنگی را بچشد و نسبت به فقیر ادای حق کند، چراکه اغنیاء معمولاً هر چه را بخواهند برای آن فراهم است، خدا می‌خواهد میان بنده‌های خود مساوات باشد و طعم گرسنگی و درد و رنج را به اغنیاء بچشاند تا به ضعیفان و گرسنگان رحم کنند» (من لایحضره الفقیه، ج ۲: ۴۳).

از این فرمایش امام صادق (ع) استفاده می‌شود که روزه یک درس مساوات به جامعه می‌دهد تا این‌که

ثروتمندان جامعه از حال فقیران و محرومان جامعه آگاه شوند و محرومان جامعه را فراموش نکنند و به کمک و یاری آن بشتابند.

اثر بهداشتی و درمانی روزه

«در طب و همچنین در طب قدیم اثر معجزه‌آسای امساک در درمان انواع بیماری‌ها به ثبوت رسیده، زیرا می‌دانیم بسیاری از بیماری‌ها، زیاده‌روی در خوردن غذاهای مختلف است، چون مواد اضافی، جذب نشده به صورت چربی‌های مزاحم در نقاط مختلف بدن، یا چربی و قند اضافی، در خون باقی می‌ماند، این مواد اضافی در لابه‌لای عضلات بدنی درواقع لجن‌زارها متعفن برای پرورش انواع میکروب‌های بیماری‌های عفونی است و در این حال بهترین راه مبارزه با این بیماری‌ها نابود کردن این لجن‌زار از طریق امساک و روزه است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

همچنین روایت از پیامبر اکرم (ص) در همین زمینه داریم که می‌فرماید: «روزه‌بگیرید تا سالم شوید» و نیز در روایت دیگری می‌فرماید: معده؛ خانه تمام دردها است و امساک بالاترین داروهای آن است». (مجلسی، ۱۴۰۴ ج ۵۸: ۲۷۶)

آنچه از این روایت فهمیده می‌شود که بسیار از مرض‌های خارجی و داخلی به واسطه روزه گرفتن خوب می‌شود و این مطلب در نظام پزشکی امروزی ثابت شده است.

ج) دعا چیست؟

یکی از مهمترین برنامه‌های تربیتی مطلوب و کارآمد دعا است. اگر ما به آیات قرآن مجید و روایات معصومان (ع) نگاه کنیم می‌فهمیم که دعا اثر فراوان مادی و معنوی دارد، زیرا که قرآن مجید در سوره مزمل به پیامبر اکرم (ص) خطاب می‌کند که از این نیرو کمک بگیرد.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا؛ ای جامه به خود پیچیده! شب راه جز کمی بپاخیز؛ یعنی از شب را، یا کمی از آن کم کن؛ یا بر نصف آن بیفزایی و قرآن را با دقت و تأمل بخوان، چراکه ما به‌زودی سخن سنگین به تو القا خواهیم کرد؛ مسلمانان نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و با استقامت‌تر است؛ و تو در روزه تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت؛ و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند». (المزمل: ۱-۸)

آنچه از این آیات استفاده می‌شود این است که خداوند به پیامبر (ص) خطاب می‌کند که اگر می‌خواهی این

بار سنگین را به منزل برسانی نیرو از خارج بگیر و بعد آن نیرو خارج را بیان می‌کند، اول نماز شب و دوم قرآن خواندن و سوم دعا و ذکر خداست خداوند متعال به حبیب و پیامبرش امر می‌کند که اگر بخواهی این بار سنگین را به منزل برسانی باید در زندگی تو دعا باشد راز و نیاز با خدا باشد. خداوند متعال در سوره فرقان می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ۖ بگو پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد» (الفرقان: ۷۷)

دعا از نظر قرآن مجید فوق‌العاده اهمیت دارد و برعکس از دعا نکردن، با خدا رابطه نداشتن و راز و نیاز نکردن با خدا بسیار مذمت شده است.

قرآن مجید می‌فرماید: وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ پروردگار شما گفته است مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیریم و دنبال آیه می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ؛ کسانی که از عبادت من تکبر ورزند، به‌زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند». (غافر: ۶۰)

اگر ما روش تربیتی پیامبر (ص) و ائمه طاهرين (ع) را مطالعه کنیم می‌بینیم که هیچ‌چیزی را به‌اندازه دعا و مناجات با پروردگار خود باارزش ندانستند، همه خواهش‌ها و آرزوهای دل خود را با محبوب واقعی در میان می‌گذاشت و بیش از آن‌که به مطلوب‌های خود اهمیت بدهند به خود طلبی و راز و نیازها اهمیت می‌دادند و هیچ‌وقت احساس خستگی هم نمی‌کردند. نه‌تنها خود آنان به نیایش علاقه‌مند بودند که با اصحاب و پیروان خودشان نیز بسیار سفارش به دعا می‌کردند و این روش را برای تربیت اخلاقی و فرهنگی کارآمد می‌دانستند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «دعا سلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است».

رسول خدا می‌فرماید: «دعا از نیزه آهنین نافذتر است و نیز می‌فرماید: دعا نافذتر است از نیزه آهنین» (کلینی، ۱۳۲۹ ج ۲: ۴۶۸).

آثار تربیتی دعا

آنچه از این آیات قرآن کریم و سیره معصومان (ع) استفاده می‌شود که دعا و ذکر خداوند غیر از آنچه آثار معنوی و پاداش آخرتی دارد اگر مورد اجابت قرار گیرد آثار مادی و معنوی نیز خواهد داشت. در همین زمینه، سیف تمار می‌گوید: «شنیدم امام صادق (ع) می‌فرماید: بر شما باد به دعا کردن، زیرا کارسازترین وسیله‌ای که شما را به خدا نزدیک می‌سازد دعا است...» و نیز علاء بن کامل از همان امام بزرگوار نقل می‌کند که به من فرمود: «بر تو باد به دعا کردن، زیرا این عمل شفای هر دردی است».

ما از تأکیدات پیشوایان دین و به‌خصوص امام صادق استفاده می‌کنیم که در دعا و ذکر خدا آثار فراوان نهفته

است. هم آثار جسمی و روانی و هم آثار معنوی، زیرا ذکر خداوند در میان بسیاری از بیماری‌ها و اختلالات جسمی به گونه غیرمستقیم است زیرا: «در روان‌شناسی ثابت شده است که شمار زیادی از مرض‌های خاص بدنی منشأ روانی دارد و با دستیابی به رفاه و سلامت روحی مشکلات این‌چنین از میان می‌رود».

دعا و ذکر خدا به صورت‌های مختلف جلوه می‌کند، همچنان که آثار فردی و اجتماعی بسیار سازنده در تربیت انسان‌ها دارد و از سوی وسیله و ابزار بسیار کارآمد در اختیار پدران و مادران به‌ویژه مسئولان نظام آموزشی و تربیتی و با جدی‌گرفتنی دعا‌های کمیل، ندبه و توسل و... است که در بین اقشار جامعه در تمام سطوح مختلف و تشکیل مراسم دعاها و نیایش‌ها و با ایجاد زمینه‌های این‌گونه تربیتی مناسب فضای روانی و فکری، جامعه را به‌سوی کمالات معنوی پیش برده و بدین‌وسیله راه نفوذ در اخلاق، عقائد دینی و فرهنگی را بر مهاجمان شرور فرهنگی و دشمنان خدا و خلق او سد کنند همچنان که پیشوایان دین (ع) این روش را در زندگی اجتماعی و فرد خودشان داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

عبادت در فرهنگ تربیتی پیشوایان معصوم (ع) به‌ویژه پیامبر اکرم (ص) بالاترین درجات بندگی یک انسان است، عبادت پیمودن راه تقید، پرهیزکاری و گذر از مرتبه ساده عبودیت به مرحله کمال عبودیت است و با این تعبیر پس عبودیت یک وصف حقیقی است که حاصل و ثمر عبادت محسوب می‌شود.

عبادت همان پیوند حقیقی و اقرار قلب و با ارکان بدن به تکالیف دینی و عبادی و اطاعت از دستورات خدا و پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است این اقرار قلبی مداوم و تلقین مستمر به قلب، در عمل و زبان و اعضا ظهور می‌یابد رفته‌رفته نفس مختار را در سیطره خود درمی‌آورد قلب و دل او را پیوسته متوجه خویش می‌سازد و از بنده سرکشی عبد مطیع می‌سازد.

بنابراین عبادت انسان را از عبودیت ساده و عمومی به عبودیت تکامل‌یافته و خاص می‌رساند و وارد حوزه صالحان و پاکان می‌نماید و از بندگی فطری و جبری فراتر برده و او را به‌سوی بندگی از روی اراده و میل هدایت می‌کند.

عبادت الهی در انسان، همان بندگی فطری است که با ظهور و جریان آن در فکر و قلب و عمل افراد بشر، به‌عنوان موجود مختار در سطح کمال‌یافته و بسیار عالی تربیتی تحقق می‌یابد.

هیچ‌چیزی شریف‌تر، کامل‌تر و کارسازتر برای انسان، از مقام عبودیت حق نیست و حتی رسیدن به مقام

رسالت، ولایت نیز متوقف بر بندگی و عبودیت خالصانه است.

ریشه همه آثار معنوی اخلاقی و اجتماعی که در عبادت است در یک چیز است: یاد حق و غیر او را از یاد بردن. قرآن کریم در یکجا به اثر تربیتی و جنبه تقویتی روحی عبادت اشاره می‌کند و می‌گوید: نماز از کار بد و زشت بازمی‌دارد. خداوند می‌فرماید: «اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (عنکبوت: ۴۵)»: آنچه را از کتاب آسمانی به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را بر پادار که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و منکرات بازمی‌دارد و خداوند می‌داند شما چه کارهائی انجام می‌دهید. در این آیه برای دل‌داری و تسلی خاطر و تقویت روحیه و ارائه خط‌مشی کلی و جامع -رو به پیامبر کرده دو دستور به او می‌دهد: نخست می‌گوید آنچه را از کتاب آسمانی (قرآن) به تو وحی شده تلاوت کن. این آیات را بخوان که هر چه می‌خواهی در آن است: علم و حکمت، نصیحت و اندرز، معیار شناخت حق و باطل، وسیله نورانیت قلب و جان و مسیر حرکت هر گروه و هر جمعیت. بخوان و در زندگی‌ات به کاربند، بخوان و از آن الهام بگیر، بخوان و قلبت را به نور تلاوتش روشن کن. بعد از بیان این دستور که در حقیقت جنبه آموزش دارد، به دستور دوم می‌پردازد که شاخه اصلی پرورش است، می‌گوید: و نماز را بر پادار (و اقم الصلوة).

سپس به فلسفه بزرگ نماز پرداخته می‌گوید: زیرا نماز انسان را از زشتی‌ها و منکرات بازمی‌دارد. طبیعت نماز از آنجاکه انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است. انسانی که به نماز می‌ایستد، تکبیر می‌گوید، خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می‌شمرد، به یاد نعمت‌های او می‌افتد، حمد و سپاس او می‌گوید، او را به رحمانیت و رحیمیت می‌ستاید، به یاد روز جزای او می‌افتد، اعتراف به بندگی او می‌کند، از او یاری می‌جوید صراط مستقیم از او می‌طلبد و از راه کسانی که غضب بر آن‌ها شده و گمراهان به خدا پناه می‌برد (مضمون سوره حمد). بدون شک در قلب و روح چنین انسانی جنبشی به‌سوی حق و حرکتی به‌سوی پاکی و جهشی به‌سوی تقوا پیدا می‌شود. برای خدا رکوع می‌کند و در پیشگاه او پیشانی بر خاک می‌نهد، غرق در عظمت او می‌شود و خودخواهی‌ها و خودبرتربینی‌ها را فراموش می‌کند.

شهادت به یگانگی او می‌دهد گواهی به رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دهد. بر پیامبرش درود می‌فرستد و دست به درگاه خدای برمی‌دارد که در زمره بندگان صالح او قرار گیرد (تشهد و سلام). همه این امور موجی از معنویت در وجود او ایجاد می‌کند، موجی که سد نیرومندی در برابر گناه محسوب می‌شود. هنگامی که آماده مقدمات نماز می‌شود خود را شستشو می‌دهد پاک می‌کند، حرام و غضب را از خود دور می‌سازد و به بارگاه دوست می‌رود همه این امور تأثیر بازدارنده در برابر خط فحشاء و منکرات دارد. متتها هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت برخوردار است نهی از فحشاء و منکر می‌کند، گاه نهی کلی و جامع

و گاه نهی جزئی و محدود. ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچ گونه اثری در او نبخشد هرچند نمازش صوری باشد هرچند آلوده گناه باشد، البته این گونه نماز تأثیرش کم است، این گونه افراد اگر همان نماز را نمی خواندند از این هم آلوده تر بودند؛ بنابراین: نهی از فحشاء و منکر سلسله مراتب و درجات زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت شرایط دارای بعضی از این درجات است. در دنباله آیه اضافه می فرماید ذکر خدا از آن هم برتر و بالاتر است (و لذكر الله اکبر).

ظاهر جمله فوق این است که بیان فلسفه مهمتری برای نماز است، یعنی یکی دیگر از آثار و برکات مهم نماز که حتی از نهی از فحشاء و منکر نیز مهمتر است آن است که انسان را به یاد خدا می اندازد که ریشه و مایه اصلی هر خیر و سعادت است و حتی عامل اصلی نهی از فحشاء و منکر نیز همین ذکر الله است، درواقع برتری آن به خاطر آن است که علت و ریشه محسوب می شود. اصولاً یاد خدا، مایه حیات قلوب و آرامش دل ها است و هیچ چیز به پایه آن نمی رسد: *أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ*: آگاه باشید یاد خدا مایه اطمینان دل ها است (رعد: ۲۸). اصولاً روح همه عبادات - چه نماز و چه غیر آن - ذکر خدا است، اقوال نماز، افعال نماز، مقدمات نماز، تعقیبات نماز، همه و همه درواقع، یاد خدا را در دل انسان زنده می کند. در آیه ۱۴ سوره طه نیز اشاره به این فلسفه اساسی نماز شده و خطاب به موسی می گوید: «اقم الصلوة لذكری»: نماز را بر پا دار تا به یاد من باشی. به هر حال گر چه نماز چیزی نیست که فلسفه اش بر کسی مخفی باشد، ولی دقت در متون آیات و روایات اسلامی ما را به ریزه کاری های بیشتری در این زمینه رهنمون می گردد:

۱. روح و اساس و هدف و پایه و مقدمه و نتیجه و بالاخره فلسفه نماز همان یاد خداست، همان «ذكر الله» است که در آیه قرآن به عنوان برترین نتیجه بیان شده است. البته ذکر که مقدمه فکر و فکری که انگیزه عمل بوده باشد، چنان که در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که در تفسیر جمله «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» فرمود: «ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَمَا أَحَلَّ وَ حَرَّمَ» «یاد خدا کردن به هنگام انجام حلال و حرام» (یعنی به یاد خدا بیفتد به سراغ حلال برود و از حرام چشم بپوشد).

۲. نماز وسیله شستشوی از گناهان و مغفرت و آمرزش الهی است چراکه خواه ناخواه نماز انسان را دعوت به توبه و اصلاح گذشته می کند، لذا در حدیثی می خوانیم: پیامبر (ص) از یاران خود سؤال کرد: «اگر بر در خانه یکی از شما نهری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هرروز پنج بار خود را در آن شستشو دهد، آیا چیزی از آلودگی و کثافت در بدن او می ماند؟» در پاسخ عرض کردند: نه فرمود: «نماز درست همانند این آب جاری است، هر زمان که انسان نماز می خواند گناहانی که در میان دو نماز انجام شده است از میان می رود» و به این ترتیب

جراحاتی که بر روح و جان انسان از گناه می‌نشیند، با مرهم نماز التیام می‌یابد و زنگارهایی که بر قلب می‌نشیند زدوده می‌شود.

۳. نماز سدی در برابر گناهان آینده است، چراکه روح ایمان را در انسان تقویت می‌کند و نهال تقوا را در دل پرورش می‌دهد و می‌دانیم «ایمان» و «تقوا» نیرومندترین سد در برابر گناه است و این همان چیزی است که در آیه فوق به‌عنوان نهی از منکر بیان شده است و همان است که در احادیث متعددی می‌خوانیم: افراد گناهکاری بودند که شرح حال آن‌ها را برای پیشوایان اسلام بیان کردند فرمودند: غم مخورید، نماز آن‌ها را اصلاح می‌کند و کرد.

۴. نماز، غفلت زده است، بزرگترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کنند و غرق در زندگی مادی و لذائذ زودگذر گردند؛ اما نماز به‌حکم این که در فواصل مختلف و در هر شبانه‌روز پنج بار انجام می‌شود، مرتباً به انسان اخطار می‌کند، هشدار می‌دهد، هدف آفرینش او را خاطرنشان می‌سازد، موقعیت او را در جهان به او گوشزد می‌کند و این نعمت بزرگی است که انسان وسیله‌ای در اختیار داشته باشد که در هر شبانه‌روز چند مرتبه قویاً به او بیدارباش گوید.

۵. نماز خودبینی و کبر را در هم می‌شکند، چراکه انسان در هر شبانه‌روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار پیشانی بر خاک در برابر خدا می‌گذارد، خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می‌بیند، بلکه صفری در برابر بی‌نهایت. پرده‌های غرور و خودخواهی را کنار می‌زند، تکبر و برتری‌جویی را در هم می‌کوبد. به همین دلیل حضرت علی (ع) در آن حدیث معروفی که فلسفه‌های عبادات اسلامی در آن منعکس شده است بعد از ایمان نخستین عبادت را که نماز است با همین هدف تبیین می‌کند می‌فرماید: «خداوند ایمان را برای پاک‌سازی انسان‌ها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاک‌سازی از کبر».

۶. نماز وسیله پرورش، فضایل اخلاق و تکامل معنوی انسان است، چراکه انسان را از جهان محدود ماده و چهار دیوار عالم طبیعت بیرون می‌برد، به ملکوت آسمان‌ها دعوت می‌کند و با فرشتگان هم‌صدا و هم‌راز می‌سازد، خود را بدون نیاز به هیچ واسطه در برابر خدا می‌بیند و با او به گفتگو برمی‌خیزد. تکرار این عمل در شبانه‌روز آن‌هم با تکیه بر روی صفات خدا، رحمانیت و رحیمیت و عظمت او مخصوصاً با کمک گرفتن از سوره‌های مختلف قرآن بعد از حمد که بهترین دعوت‌کننده به‌سوی نیکی‌ها است اثر فراوانی در پرورش فضائل اخلاقی در وجود انسان دارد. لذا در حدیثی از امیر مؤمنان علی (ع) می‌خوانیم که در فلسفه نماز فرمود: «نماز وسیله تقرب هر پرهیزگاری به خداست».

۷. نماز به سایر اعمال انسان ارزش و روح می‌دهد- چراکه نماز روح اخلاص را زنده می‌کند، زیرا نماز مجموعه‌ای است از نیت خالص و گفتار پاک و اعمال خالصانه، تکرار این مجموعه در شبانه‌روز بذر سایر اعمال نیک را در جان انسان می‌پاشد و روح اخلاص را تقویت می‌کند. لذا در حدیث معروفی می‌خوانیم که امیر مؤمنان علی (ع) در وصایای خود بعد از آن که فرق مبارکش با شمشیر ابن ملجم جنایتکار شکافته شد فرمود: «الله الله فی الصَّلَوةَ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِکُمْ» «خدا را، خدا را دوباره نماز، چراکه ستون دین شماست» می‌دانیم هنگامی که عمود خیمه درهم بشکند یا سقوط کند هر قدر طناب‌ها و میخ‌های اطراف محکم باشد اثری ندارد، همچنین هنگامی که ارتباط بندگان با خدا از طریق نماز از میان برود اعمال دیگر اثر خود را از دست خواهند داد. در حدیثی دیگر از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «نخستین چیزی که در قیامت از بندگان حساب می‌شود نماز است اگر مقبول افتاد سایر اعمالشان قبول می‌شود و اگر مردود شد سایر اعمال نیز مردود می‌شود.» شاید دلیل این سخن این باشد که نماز رمز ارتباط خلق و خالق است، اگر به‌طور صحیح انجام گردد قصد قربت و اخلاص که وسیله قبولی سایر اعمال است در او زنده می‌شود، و گرنه بقیه اعمال او مشوب و آلوده می‌گردد و از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

۸. نماز قطع نظر از محتوای خودش با توجه به شرایط صحت دعوت به پاک‌سازی زندگی می‌کند، چراکه می‌دانیم مکان نمازگزار، لباس نمازگزار، فرشی که بر آن نماز می‌خواند، آبی که با آن وضو می‌گیرد و غسل می‌کند، محلی که در آن غسل و وضو انجام می‌شود، باید از هرگونه غصب و تجاوز به حقوق دیگران پاک باشد کسی که آلوده به تجاوز و ظلم، ربا، غصب، کم‌فروشی، رشوه‌خواری و کسب اموال حرام باشد چگونه می‌تواند مقدمات نماز را فراهم سازد؟ بنابراین تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه‌روز خود دعوتی است به رعایت حقوق دیگران

۹. نماز علاوه بر شرایط صحت شرایط قبول، یا به تعبیر دیگر شرایط کمال دارد که رعایت آن‌ها نیز یک عامل مؤثر دیگر برای ترک بسیاری از گناهان است. در کتب فقهی و منابع حدیث، امور زیادی به‌عنوان موانع قبول نماز ذکر شده است از جمله مسئله شرب خمر است که در روایات آمده: «نماز شراب‌خوار تا چهل روز مقبول نخواهد شد مگر این که توبه کند» و در روایات متعددی می‌خوانیم: «از جمله کسانی که نماز آن‌ها قبول نخواهد شد پیشوای ستمگر است»؛ و در بعضی از روایات دیگر تصریح شده است که نماز کسی که زکات نمی‌پردازد قبول نخواهد شد و همچنین روایات دیگری که می‌گوید: خوردن غذای حرام یا عجب و خودبینی از موانع قبول نماز است، پیدا است که فراهم کردن این شرایط قبولی تا چه حد سازنده است!

۱۰. نماز روح انضباط را در انسان تقویت می‌کند، چراکه دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدیم آن هر دو موجب بطلان نماز است، همچنین آداب و احکام دیگر در مورد نیت و قیام و قعود و رکوع و سجود و مانند آن که رعایت آن‌ها، پذیرش انضباط را در برنامه‌های زندگی کاملاً آسان می‌سازد. همه

این‌ها فوایدی است که در نماز، قطع نظر از مسئله جماعت وجود دارد و اگر ویژگی جماعت را بر آن بیفزاییم که روح نماز همان جماعت است - برکات بی‌شمار دیگری دارد که اینجا جای شرح آن نیست، به‌علاوه کم‌وبیش همه از آن آگاهیم.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
۳. صحیفه سجاده
۴. آمدی، عبدالواحد، (۱۳۷۳)، شرح غررالحکم و درر الکلم، تهران، دانشگاه تهران.
۵. بغدادی، محمد ابن سعد بن منیع، (بی‌تا)، طبقات الکبری بی‌جا.
۶. پوراوند، طیب، بحران هویت انسان از منظر قرآن کریم، قم، انتشارات سلسله.
۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۰)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، مرکز نشر اسرا.
۸. الحر عاملی، (۱۳۱۲ ق)، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۹. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۳)، المفردات فی غریب القرآن: فی اللغة و الادب و التفسیر و علوم القرآن، تهران، مکتبه بوذر جمهیری.
۱۱. صدوق...، (۱۴۱۷ ق)، الامالی، قم، موسسه بعثت.
۱۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۶۲)، مجمع البحرین، ج ۱، تهران، نشر مرتضوی.
۱۳. فیض کاشانی، محسن، (۱۳۳۹)، المحججه البیضاء، تهران مکتبه الصدوق.
۱۴. قرائتی، محسن، (۱۳۸۶)، پرتوی از اسرار نماز، چ ۱۷، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۵. قریشی بنایی، سید علی‌اکبر، (۱۳۵۲)، قاموس القرآن، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. قمی، شیخ عباس، (بی‌تا)، سفینه البحار، تهران موسسه انتشارات فراهانی.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۲۹ ق)، الکافی، قم، دارالحدیث.
۱۸. _____، (۱۴۱۳ ق)، فروع الکافی، تهران، مکتبه الاسلامیه.

۱۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲)، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. _____، (۱۴۰۴ ق)، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.
۲۱. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۷۱)، میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.